

تعامل زنده با شاگردان

نکته‌هایی برای بهبود روابط معلمان و دانش آموزان



❁ مقدمه

روابط معلم شاگرد یکی از عوامل کلیدی در فرایند یاددهی یادگیری است. نقش معلمان در رشد شاگردان فوق العاده است و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این تأثیر می‌تواند از طریق تحقق اهداف آموزشی، تقویت اعتماد به نفس، الهام بخشی و حمایت از شاگردان، شکوفایی استعدادها و ایجاد ارتباط عمیق و معنادار با دانش آموزان مشخص شود. هر کلاس درس یک فضای اجتماعی است که در آن روابط بین معلم و شاگرد به شکل متقابل شکل می‌گیرند. این روابط می‌تواند برای دانش آموزان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. در مجموعه یادداشت‌هایی، اهمیت روابط معلم شاگرد بررسی و تبیین می‌شود. نویسنده در هر بخش، از طریق زمینه، در فیلم‌هایی، به توضیح مباحث مربوطه و آشنا کردن آن‌ها پرداخته است.

❁ قدرت تغییر

به نتیجه ترسناکی رسیده‌ام: من به عنوان عامل تصمیم گیرنده در کلاس حضور دارم و این برخورد شخصی من، جو خاصی را در کلاس ایجاد می‌کند. رفتار و روحیه روز مرام بر حال و هوای کلاس تأثیر قابل توجهی دارد. به عنوان معلم، قدرت عظیمی دارم و قادر به ساختن یک زندگی تیره و تاریا پر سرور برای کودک هستم. من می‌توانم به عنوان ابزار شکنجه یا الهام بخشی عمل کنم، تحقیر یا تحسین کنم، بیازارم یا شفافبخشم.

دکتر محمد نیرو
استادیار گروه مدرسه و
نوآوری‌های تربیتی

در هر شرایطی، عکس العمل من تعیین کننده بالقوه بروز یا فرو پاشی یک بحران و انسانی شدن یک کودک است.

❁ معلمان برتر

بهترین معلمان در جهت مشترکی گام بر می‌دارند؛ آن‌ها به فضل فروشی اعتقاد ندارند. آن‌ها نه موعظه می‌کنند و نه درس اخلاق می‌دهند. احساس گناه پدید نمی‌آورند و قول نمی‌گیرند. وقتی بد رفتاری ناچیزی رخ می‌دهد، به کاوش نمی‌پردازند، کار آگاه نمی‌شوند و از بچه‌ها جاسوس درست نمی‌کنند. کاری به کار گذشته دانش آموز یا به آینده نزدیک او ندارند. زمان حال برایشان اهمیت دارد. برای آن‌ها این مهم است که اینجا و الان دانش آموز در فشار روحی قرار گرفته است. در این زمینه، معلمی می‌گفت: «عادت داشتم تلاشم را بر پیشرفت‌های آینده متمرکز کنم، اما حالا هدفی متعادل تر دارم. دو چیز را در نظر می‌گیرم: خلق و خویی که دانش آموز در حال حاضر دارد و نیازهایی که بر وجود او مسلط هستند. به

جای مدینه فاضله‌ای که فرسنگ‌ها با آن فاصله دارم، می‌خواهم به انسانیت لحظه به لحظه در کلاس درس برسم.»



در مرزینۀ مقابل، مطلب این بخش در قالب فیلم کوتاهی بیان می‌شود.

* احتیاط‌های لازم برای برخورد صحیح معلم با دانش‌آموزان

به‌عنوان معلم، نقش و مسئولیت بسیاری را در زندگی دانش‌آموزان داریم. در ادامه، با الهام از کتاب روابط معلم و دانش‌آموز، نوشته‌هایم گینتا، چند داستان و نتیجه‌ها را برای برخورد صحیح با دانش‌آموزان بیان می‌کنم:

* اجتناب از لقب دادن به دانش‌آموزان

مونا، دانش‌آموز نه‌ساله، نتوانست تکلیف خود را در زمان مقرر انجام دهد. خانم معلم به او گفت که تنبل، بی‌دقت و بی‌مسئولیت است. پس از پایان کلاس، مونا به معلمش گفت: «شما مرا به خوبی نمی‌شناسید. من تنبل و بی‌دقت نیستم. به تکالیف مدرسه‌ام بسیار توجه می‌کنم و تلاش می‌کنم آن‌ها را به بهترین شکل ممکن انجام دهم. به همین دلیل شما مرا همانند معلمان دیگر نشناخته‌اید.» معلم در پاسخ گفت: «تو یک دختر بی‌جبه خام هستی و دهان بزرگی هم داری. به مادرت بگو که می‌خواهم او را ببینم و درباره‌ی دختر و راجش با او صحبت کنم.»

مونا با چشمانی پر از اشک به خانه برگشت.

لقب دادن به دانش‌آموزان برای معلمان ممنوع است، زیرا این کار احساس انزجار و ناراحتی را در آن‌ها به وجود می‌آورد. دانش‌آموزان غالباً تصویر منفی از خودشان را که معلمانشان ایجاد می‌کنند، در ذهن خود حفظ می‌کنند. این‌گونه اظهارات معلم درباره‌ی دانش‌آموزان، عواقب جدی به دنبال دارد. این معلم، به جای آن می‌توانست بگوید: «از تو ممنونم که به درس و تکالیف توجه می‌کنی. فکر می‌کنم درباره‌ی توقضاوت نادرستی کرده‌ام.»

چنین گفتاری عامل حفظ صلح و آرامش و ایجاد تفاهم می‌شد.

* فرصت دادن به دانش‌آموزان برای بهبود رفتار

علی، دانش‌آموز نه‌ساله، در حین درس اعشار از معلمش کمک خواست. معلم به او پاسخ داد: «پس وقتی در حال توضیح این مسئله بودم، کجا بودی؟ تو اصلاً گوش نمی‌دهی و همیشه در حال بازی کردن هستی. حالا هم انتظار داری فقط به خاطر شما درس را تکرار کنم. اینجا که فقط تو حاضر نیستی، برای جناب‌عالی

که نمی‌توانیم کلاس فوق‌العاده برگزار کنیم.» علی به جای خود برگشت، اما در باقی ساعت، با مزاحمت‌های متعدد، کلاس را برهم زد و تمرکز دیگران را پرت کرد. اگرچه این معلم درگیر بود، ولی می‌توانست به دانش‌آموز کمک کند. می‌توانست به علی بگوید که یادگیری اعشار سخت است و اگر وقت داشت، درس را برایش توضیح دهد. معلم می‌توانست صبر کند و در زمانی که هر دو وقت داشتند، علی را به کلاس دعوت کند و درس را به او توضیح دهد. به‌طور معمول، دانش‌آموزان وقتی در انجام تکالیف یکی از درس‌ها مشکلی دارند، از درخواست کمک و راهنمایی می‌ترسند. تجربه‌ی آن‌ها نشان داده است که درخواست کمک ممکن است به تو بیخ شدید منجر شود. آن‌ها ترجیح می‌دهند بد رفتاری کنند و به خاطر آن تنبیه شوند، تا اینکه به خاطر ناآگاهی از یک مسئله تمسخر شوند. بهترین راهکار برای معلم در مواجهه با بد رفتاری دانش‌آموزان، آمادگی کمک به آن‌هاست.

* کمک به دانش‌آموزان

با احترام به حریم شخصی

نفیسه، دانش‌آموز دختر یازده‌ساله، که به‌طور معمول پرا انرژی بود و صدایش به گوش می‌رسید، حالا ساکت و آرام نشسته و روی نیمکتش خم شده بود. معلم پرسید: «بینم، آیا مشکلی داری؟» نفیسه پاسخ داد: «هیچی.» معلم گفت: «خب، حالا به من بگو چه چیزی در ذهنت مشغولت می‌کند؟» نفیسه گفت: «هیچ چیز مشغولم نمی‌کند.» معلم گفت: «گوش کن، من تو را بهتر از خودت می‌شناسم. می‌توانم بگویم که شخصیت تو چیست. مثل اینکه شب خوب نخوابیده‌ای، درست است؟» نفیسه گفت: «خواهش می‌کنم، لطفاً بس کنید.» معلم گفت: «خانم جوان، این چه رفتاری است؟ من می‌خواهم در باره‌ی آداب معاشرت به تو درسی بدهم و از این رفتارت چشم‌پوشی می‌کنم. تو ناراحتی و حتی خودت هم نمی‌دانی که من ناراحتی‌ات را بیشتر از خودت درک می‌کنم.» نفیسه چهره‌اش را پوشاند و در باقی ساعت حتی یک کلمه هم حرف نزد.

شاید معلم نیت خوبی داشت، اما با این برخوردش هیچ کمکی به او نکرد. تمایل به کشف عواطف دیگران کاری مخاطره‌آمیز است. احترام به ارتباطات میان افراد حکم می‌کند که همواره فاصله‌ی مشخصی وجود داشته باشد. وقتی کسی از ماکمک یا اجازه نمی‌دهد، ما نباید به حریم شخصی او ورود کنیم. این کار ممکن است موجب نخوت عاطفی شود. بهترین روش کمک‌رسانی، روشی محتاطانه و خلاصه است. مثلاً با پرسشی مانند: «آیا می‌توانم به تو کمک کنم؟» پیشنهادهایی که با صدای بلند، زیاد روی و تفصیل ارائه می‌شوند، شرمساری می‌آورند. این نوع پیشنهادها، کمک، مقاومت و انزجار را به وجود می‌آورند.

* قدرت و تأثیر کلمات

پاسخی که یکی از دانش‌آموزان کلاس به سؤالی ساده داد، غلط از آب درآمد. معلم خطاب به او گفت: «عجب، آیا انیشتین در کلاس ما بود و خبر نداشتیم!» خنده‌ای رعدآسا کلاس را به لرزه درآورد. دانش‌آموزی که تحقیر و تمسخر شده بود، از خجالت سرخ شد، سرش را به زیر انداخت و معصومانه به سر جای خود رفت و نشست.

از همان جلسه به بعد، هم کلاسی‌های این دانش‌آموز دست از سرش برنداشتند. آن‌ها از رفتار معلمشان پیروی کردند و برایش لقب‌هایی ساختند؛ مثل «نیوتن»، گالیله و افلاطون. این رفتار باعث شد ماندن در آنجا غیرقابل تحمل شود. آن دانش‌آموز ناچار شد مدرسه خود را تغییر دهد. همان‌طور که جراح نباید بی‌هوا از چاقوی جراحی استفاده کند، معلم نیز نباید بی‌هوا جمله‌ای تند و تیز و زنده بر زبان آورد. در هر دو مورد، آسیبی که وارد می‌شود، چه بسا هرگز ترمیم نیابد.

* جمع‌بندی

معلمان، به‌عنوان عوامل تصمیم‌گیرنده در کلاس، توانایی‌های عظیمی برای تأثیرگذاری بر روحیه و رفتار دانش‌آموزان دارند. آن‌ها می‌توانند یا به‌عنوان الهام‌بخش و پشتیبان دانش‌آموزان عمل کنند یا به‌طور ناخواسته زندگی آن‌ها را تاریک و دشوار کنند. معلمان بر تر تلاش می‌کنند به فضای حاضر در کلاس و به نیازها و شرایط فعلی دانش‌آموزان توجه داشته باشند. آن‌ها قدرت بی‌شماری دارند، اما از آن به‌عنوان ابزاری برای تحقیر یا تحسین، شکنجه یا الهام‌بخشی استفاده نمی‌کنند. احتیاط‌های لازم را در تعامل با دانش‌آموزان رعایت می‌کنند، به دانش‌آموزان لقب نمی‌دهند و به جای آن، با رعایت حریم شخصی، به آن‌ها کمک می‌کنند. به‌طور کلی، معلمان بر تر با انعطاف و احتیاط عاطفی، قدرتمندترین افراد اثرگذار در زندگی دانش‌آموزان هستند.

در پایان، مشاهده فیلم کوتاه نویسنده را که به مطالب ذکر شده مربوط است، توصیه می‌کنم.



پی‌نوشت‌ها

۱. هایم گینتا (۱۳۹۵). روابط معلم و دانش‌آموز، ترجمه سیاوش سرتیپی، انتشارات علم، تهران.

2. Emotional arrogance